



اتحاد «ارتجاع» علیه «انقلاب» در خلیج فارس

بررسی تلاش عربستان برای ایجاد یک بلوک قدرت جدید در منطقه

باشگاه دیکتاتورها

به بیان دیگر بیداری اسلامی در منطقه موجب شد تا کنسرتی اروپایی با نوازندگانی عربی در منطقه خاور میانه شکل بگیرد. سرگذشت حسنی مبارک در مصر باعث گردید پادشاهان عربی که تا دیروز به اتحاد استراتژیک خود با آمریکا برای ادامه حیاتشان خوشبین بودند، به فکر چاره بیفتند. طرح باشگاه پادشاهان (دیکتاتورها) علی‌رغم آنکه برخی کشور های عربی از حضور در آن امتناع کردند به صورت جدی از طریق شاهزادگان سعودی دنبال می‌شود. ترکی الفیصل یکی از طراحان این طرح اخیراً در کنفرانس «خلیج (فارس) و جهان» با بیان این که «امنیت هر کدام از کشورهای عرب خلیج فارس در حقیقت امنیت همه کشورهای منطقه است و تأمین ثبات هر کدام از ما به معنای تأمین ثبات دیگر کشورهای این حوزه است و همچنین هر مصیبت و گرفتاری که بر سر هر کدام از ما بیاید به معنای این است که این مصیبت بر سر همه ما آمده است» نشان داد که ظاهراً سیاستمداران سعودی در ایجاد باشگاه پادشاهان مصمم هستند.

ارتش ۱۰۰ هزار نفری خلیج فارس

از سوی دیگر چندی پیش و در پایان سی و دومین نشست دو روزه سران شورای همکاری خلیج فارس در کویت، کشورهای عضو این شورا با صدور بیانیه‌ای به چند تصمیم کلیدی در زمینه دفاعی و انتظامی تأکید کردند. نواف عبید، پژوهشگر مرکز بلفر دانشگاه هاروارد و پژوهشگر ارشد مرکز تحقیقات و مطالعات

معروف شدن نیز بطور نسبی اتفاق افتاد اما این بار فشار انقلابیون تاحدودی کارگر افتاد و منجر به فرار مترنخ طراح سیستم سرکوب اروپایی گردید. این روزها عملکرد پادشاهان فراتر از عربی در منطقه خاور میانه به خصوص حوزه خلیج فارس بسیار شبیه همان کنسرت اروپایی است که در اوایل قرن نوزدهم میلادی شکل گرفت.

به دنبال قیام ملت های مسلمان در کشورهای تونس، مصر، لیبی، اردن، مغرب، یمن و به ویژه بحرین شاهزادگان سعودی به فکر ایجاد باشگاهی از کشورهای پادشاهی در منطقه افتادند. دعوت سراسیمه شورای همکاری خلیج فارس از کشورهای اردن و مغرب برای پیوستن به این شورا و مداخله نیروهای موسوم به «سپر جزیره» در سرکوب قیام مردم بحرین اولین اقداماتی بود که کشورهای امیرنشین عربی به رهبری پادشاهی سعودی در پیش گرفتند.

اقدام آمریکا در خالی کردن پشت حسنی مبارک یکی از پایه های اصلی ائتلاف «اعتدال عربی» موسوم به «جریان سازش» در منطقه باعث شد تا ترکی الفیصل رئیس سابق سازمان اطلاعات عربستان سعودی و سفیر پیشین این کشور در واشنگتن در نامه ای سرگشاده در روزنامه نیویورک تایمز به سیاستمداران آمریکایی هشدار دهد: «هبران سعودی تحت فشارهای کنونی و شرایط منطقه ای مجبور خواهند شد سیاست های خارجی با استقلال و قاطعیت بیشتر اتخاذ کنند که با سیاست های آمریکا همخوانی نداشته باشد».

حدود ۲۰ سال پیش، نمایندگان کشورهای پیروز در برابر ارتش ناپلئون بناپارت در کنگره وین گرد هم آمدند تا علاوه بر تقسیم فتوحات

امپراتوری فرانسه در بین خود، و ایجاد یک نظم جدید؛ ترتیبات امنیتی را شکل دهند تا حافظ منافع ایشان باشد.

کشورهای قدرتمند اروپایی که بقایشان با انقلاب های آزادیخواهانه مردمی بطور جدی به خطر افتاده بود با استقبال از پیشنهاد «مترنخ» صدر اعظم وقت اتریش اقدام به ایجاد ترتیبات امنیتی ویژه ای به نام «کنسرت اروپایی» نمودند کنسرتی که وظیفه اصلی آن ایجاد هماهنگی و همراهی با یکدیگر برای سرکوب هر چه بهتر جنبش های آزادیخواه در نقاط مختلف اروپا بود. بر این اساس نظام های اشرافی-پادشاهی اروپایی نمودند تا با اتحاد و تضمین کمک به یکدیگر در برابر مردم، در قالب همان سیستم «کنسرت اروپا» امواج آزادیخواهی را در نقاط مختلف این قاره از جمله در بلژیک، پروس، ایتالیا و اسپانیا در هم شکنند.

در حقیقت مترنخ هر کشور را به مانند یکی از نوازندگان یک گروه موسیقی در نظر گرفت که برای دستیابی به موفقیت در اجرا نیاز به هماهنگی و همراهی دقیق سایرین داشت کنسرتی که در آن از یکسوی برای همه می نواخت و از سوی دیگر همه نیز برای یکی! بدین ترتیب انقلاب های ۱۸۳۰ که در نقاط مختلف اروپا رخ داد به شدت از سوی اعضای کنسرت سرکوب گردید همین امر در انقلاب های ۱۸۴۸ که به «بهار مردم»